



دانشکده ادبیات و علوم انسانی ()

مجموعه سخنرانیهای هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی

تهران

۳۰ مرداد - ۵ شهریور ۲۵۳۵

(جلد سوم)

به کوشش محمد رسول دریابگشت

انتشارات دانشگاه ملی ایران شماره ۱۲۷

ناصرالدین‌شاه و امور آذربایجان

(۱۲۷۸ - ۱۳۱۰ هجری قمری)

آذربایجان در قرن گذشته به دلایل مختلف اقتصادی، نظامی، سوق - الجیشی و تاریخی اهمیتی بیش از سایر ایالات ایران داشت . ولیعهد قاجار در تبریز اقامت داشت و شاه نسبت به امور این ایالت توجه و دقت خاصی مینمود . در این گفتار از بعضی از مسائل آذربایجان در دوره ناصرالدین شاه بر اساس نامه های میرزا قهرمان امین لشکر سخن خواهیم گفت . این نامه ها که نزد بازماندگان این شخص نگهداری میشد درباره مسائل گوناگون اند که میرزا قهرمان در طی سالها کار دیوانی با رجال آن عهد و با شاه رد و بدل کرده است .

(۱) بامداد، مهدی . شرح حال رجال ایران، ج ۳ ، چاپ ۱۳۴۷ ص

۱۳۲ .

میرزا قهرمان قمشه ای اصفهانی (۱) سر رشته دار امور عزیزخان مکری سردار کل بود . در ۱۲۷۷ که مظفرالدین میرزا به آذربایجان روانه شد . سردار کل به پیشکاری آن ایالت منسوب شد (۲) و میرزا قهرمان مسئول استیفای نظام آذربایجان گشت . سپس مسئولیتهای دیگری به سردار کل محول شد و فیروز میرزا نصرت الدوله و میرزا صادق قائم مقام و طهماسب میرزا موید الدوله بنوبت پیشکاران آن ایالت شدند ولی رابطه هیچ کدام با میرزا قهرمان زیاد خوب نبود . این مدت ظاهراً " میرزا قهرمان در تبریز بنفع سردار توطئه چینی میکرد و شورش که در سال ۱۲۸۴ هـ ق در شهر تبریز به وقوع پیوست به او منسوب است (۳) .

سردار کل و میرزا قهرمان تا سال ۱۲۸۵ هـ ق همچنان مغضوب بودند تا اینکه سردار کل مورد عفو قرار گرفت و حاکم ساوجبلاغ و سپس پیشکار آذربایجان گشت . (۴) در مراجعت بر سر کار بواسطه سفارشات او شاه بار دیگر میرزا قهرمان را مسئول امور استیفای لشکر کرد .

سردار در ۱۲۸۸ هـ ق فوت کرد و میرزا قهرمان که در ۱۲۸۵ ملقب به امین لشکر شده بود ، مدت کوتاهی مستقلاً پیشکار آذربایجان بود و شاه وی را مسئول نظم مملکت و انجام خدمات دولتی و وصول و ایصال مالیات و تنقیح محاسبات و انتظام مهام نظام " نمود بعداً ماموریتهای دیگری

(۲) نادر میرزا ، تاریخ تبریز ، چاپ ۱۳۵۱ شمسی ، ص ۲۸۳

(۳) بامداد : ج ، ۳ ، ص ، ۱۳۳ .

(۴) مجله یادگار ، عزیزخان سردار کل مکری ، ۱۲۰۷-۱۲۸۷ ، سال

به میرزا قهرمان محول شد . (۱) در ۱۳۰۱ پست ریاست دارائی لشکر به او محول گشت ولی چون با دشمنی و مخالفت کامران میرزا نایب السلطنه وزیر جنگ مواجه بود بار دیگر مغضوب و از کار برکنار شد ، و به اتهام اینکه پانزده هزار تومان را نپرداخته است به اردبیل تبعید شد . فوت او در ۱۳۱۰ در عین تنگدستی بود .

در باره خصوصیات اخلاقی وی نوشته اند که او زیرک ، خراج ، توطئه گر و کاردان بوده (۲)

مظفرالدین میرزا از سال ۱۲۷۷ الی ۱۳۱۳ مقیم تبریز و از ۱۲۷۸ ولیعهد ایران بود . در تمام طول این مدت شاه شخصا " وزیر و پیشکار آذربایجان را تعیین میکرد و به امور این ایالت رسیدگی مینمود بطوریکه ولیعهد اقتدار کمی داشت ، بخصوص در تربیت او دقتی نمیشد (۳) و بدون شک عدم توجه به تربیت پادشاه آتیه ایران (۴) ناشی از کوتاهی بینی بود و اگر بعدها گفته شد که مظفرالدین شاه بی کفایت و بی شخصیت بود (۵) یک دلیل آن همین تربیت ناکافی و غلط بود .

۱ - از جمله مسئول تدارکات لشکر و وزیر گمرک نامه ها ، وزیر فواید عامه عضو دارالشورای کبری دولتی و متصدی خالصه جات .

۲ - با مداد . ج ۳ ، ص ۱۳۶ .

۳ - KALNYKOV, A. D. Moirs 90 DIPLOMAT 1917 yale, ۱۰۴۶

۴ - کرزن - جرح . ایران و قضیه ایران ، ترجمه وحید مازندرانی ، چاپ

۱۳۳۹ ص ۵۴۱ ، ج ۱ .

۵ - مستوفی ، عبدالله : شرح زندگانی من ، ج ۲ ، چاپ دوم ، ص ۱۲ .

همانطور که گفته شد شاه بیشتر امور را عهده دار بود . در مجموعه نامه‌های این لشکر نامه‌ای به تاریخ ۱۲۸۷ هـ . ق که شاه به ولیعهد مینویسد که چون اوضاع آذربایجان بطور دلخواه نیست و رونقی ندارد ، تصمیم دارد که خود شخصا بامور آن ایالت رسیدگی نماید بطوریکه دستور میدهد که کار — مآذاران آذربایجان همه کارها را به شخص او اطلاع دهند . ولی از آنجائی که ناصرالدین شاه دایما در حال تغییر روش حکومت بود ، پس از چندی همه کارها را که به این لشکر که به پیشکاری آذربایجان منسوب شده بود محول کرد و به ولیعهد نوشت که امین لشکر باید در امور مستقل باشد و ولیعهد بی اطلاع و استحضار و خط و مهر و حواله او معامله و داد و ستدی ننماید . در نامه دیگری شاه به ولیعهد مینویسد که حکام ولایات آذربایجان باید با نظرامین لشکر تعیین گردند و قرار مالیات را با او بگذارند ، و نیز تاکید میکند که به حکام باید دستور داده شود که اخبار ولایات را به امین لشکر معروض دارند تا او به عرض شاه برساند .

این گونه اقتدار که شاه به پیشکار آذربایجان میداد باعث میشد که رابطه پیشکار با ولیعهد رابطه مشکلی باشد . در نامه ای امین لشکر راجع به پیشکاری نصرت الدوله چنین نوشته . " بدیهی است هر پیشکاری این جا مامور باشد آن قسمتی که لازم است اتفاق واتحاد مابین او و شاهزاده نخواهد شد .

بدون شک این رفتار شاه نسبت به ولیعهد باعث دلسری او میگردد و پس از اینکه به سلطنت رسید در نامه‌ای به محمد علی میرزا نظریه خود را درباره این دوره چنین بیان کرد . " بچه که نبودی بیست و هفت سال از عمرت میگذرد و بعضی تصورات مکن مثل شاه شهید که خودت یادت میاید

نسبت به من چه نوع حرکت کرد، یک نفر فراس فرستاد بجای ولیعهد سی
ساله حالا هم ممکن است همین نوع حرکت شود" (۱)

این سؤال پیش میاید که ناصرالدین شاه که این گونه قدرت ولیعهد
را محدود میکرد آیا از او می ترسید؟ در هر حال اگر هم از شخصیت
مظفرالدین میرزانی ترسیداز موقعیتی که ممکن بود ولیعهد ایران در آذربایجان
پیدا کند بر حذر بود، واعتماد السلطنه در خاطرات خود به ترس درونی (۲) و

۱ - هدایت، محمد تقی (مخبر السلطنه) : خاطرات و خطرات، چاپ

۱۳۴۴، ص ۶۸ .

۲ - اعتماد السلطنه مینویسد . " صورتی از ولیعهد داده بودم دارا

الطباعه چاپ کرده بودند از ترس اینکه مبدا برای شاه خیالی رو دهد
بواسطه کمال احتیاط که من دارم وحشت کرده بودم یک قطعه از آن تصویر
را آئینه و چهار چوب گرفته بر دم عرض کردم من این فضولی را کردم و خیلی
خوب ساخته است فرمودند بسیار خوب است و خیلی هم شبیه الحمدالله بخیر
گذشت " روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه با هتمام ایرج افشار " سال ۱۳۴۵
ص ۴۱۷ .

در شرح حال رجال ایران از قول اعتماد السلطنه نوشته است که
" روزنامه مصوری (روزنامه شرف) که ایجاد نموده ام بنظر شاه رساندم چون
قدری از ولیعهد تعریف داشت پسند فرمودند حکم شد عرض شود " بامداد
ج ۴ ص ۱۲۱ .

عدم علاقه شاه نسبت به مظفرالدین میرزا اشاره کرده است (۱) ولیعهد هم متقابلاً "از شاه ملاحظه داشت . نامه‌ای از او به امین لشکر هست به تاریخ توشقان تیل ۱۲۹۷ که مینویسد خبر قتل و غارت در شهر تبریز را مبادا به تهران بنویسید که " حال اولیای دولت مشوب خواهد شد ، البته به هیچ وجه امری و خبری از این خبرها ننویسید . . . "

علاوه بر ملاحظات خصوصی شاه نسبت به ولیعهد ، موقعیت آذربایجان چنان بود که مورد توجه خاص شاه بود و شاه انتظار بسیار از آن ایالت داشت . یک بار به ولیعهد نوشته بود که انتظام آن مملکت در زمان ولیعهدی عباس میرزا نایب السلطنه بجائی رسید که " جمیع ممالک محروسه ایران از آنجا نظم گرفته و سرمشق نظام برداشت ، اکنون آن فرزند ارجمند چگرنه می‌پسندد که با رتبه و مقام ولایت عهد ، دولت صاحب اختیار و فرمانفرمای آن مملکت باشد و از آن مرز و بوم رایحه بی نظمی استشمام شود ؟ "

دوباره در ماه چاپار به تبریز روانه میشد و دوبار از تبریز و آذربایجان خبر به تهران می‌رسید . شاه دائماً " جویای اخبار بود و به جزئیات مسائلی حتی از قبیل مساله قپان و قصابخانه تبریز شخصا " رسیدگی میکرد .

علاوه بر توجه بامور جزئی ، شاه دائماً سفارش رفاه و آسایش رعیت آن ایالت را میکرد . در نامه‌ای به سردار کل نوشته بود که . " صریح می‌نویسم که بره و جوجه و یونجه و گاه نباید از رعیت بیچاره مطالبه کنید بخدا قسم شنیدم مطالبه شود از تو مواخذه میکنم اگر هر چیزی از رعیت

(۱) گفته شده بود که مظفرالدین میرزا به فرقه شیخیه علاقمند بود

و شاه شدیداً از این موضوع متنفر بود . بامداد ج ۴ ، ص ۱۹۱

میگیرید با پول بخرند"

رسم چنان بود که مقامات دولتی مستقیم با شاه مکاتبه میکردند (۱) و شاه خود این ارتباط را تشویق میکرد . افراد گزارش کار خود را خود می‌نوشتند و برای بهبود وضع پیشنهادهای می‌کردند ، برای شاه پیش‌کش می‌فرستادند و درخواست کار مینمودند (۲) و یا شاه برای آنها خلعت می‌فرستاد و با نامه و فرمان آنها را تشویق بکار میکرد . اغلب این گونه نامه‌ها با سبکی متملقانه نوشته میشد که شیوه نامه نگاری آن عصر بود و حتی در نامه‌هایی که شاه برای زیر دستان خود مینوشت دیده میشود .

این رابطه مستقیم شاه با مقامات دولتی فرصت میداد که افراد از هم

۱- شاه مایل بود که این تماس مستقیم وجود داشته باشد و از تمام اوضاع با خبر گردد نامه‌های بسیاری هست که با این مضمون تمام میشوند "همه‌روزه مطالب لازم و وقایع اتفاقیه را معروض دارد . . ." هرگاه صدراعظم مقتدری بر سر کار بود سعی میکرد جلوی این رابطه‌های خصوصی را بگیرد و خود واسطه باشد ولی اغلب این رابطه برقرار میماند .

۲- زمانیکه میرزا قهرمان معضوب بود نامه‌ای به امین السلطان نوشته بود بدین مضمون . " فدایت شوم برای اینکه به وسیله‌ای در استان مبارک همایونی روح العالمین فداه اسمی از این غلام مذاکره و مایه مفاخرت و مباحثات و امیدواری شود موازی یک طاقه شامل لیموئی برسم پیش‌کش باکمال شرمساری و روسیاهی تقدیم نمود که به هر زبان و هر قسم سر کار صلاح بدانید در موقعی که عرض خاکپای اقدس‌العلی بگذرانید و بنده را قرین امتنان بفرمائید . . ."

دیگر بدگوئی و سعایت کنند و همیشه برای شاه امکان پذیر نبود که تشخیص دهد کدام یک از طرفین محق بودند، در این مورد چه بسا که یک دلیل نشیب و فراز شدید که در زندگی بسیاری از رجال این دوره به چشم میخورد و سردار کل و امین لشکر از آن میرا نبودند، به علت همین رابطه شخصی و مستقیم بین شاه و رجال دولت بود (۱)

مثلاً وقتی نصرت الدوله با سمت پیشکاری به تبریز رفت از امین لشکر و نفوذ او می ترسید و به شاه منوسل شد، و یازمانی که امین لشکر از پیشکاری آذربایجان معزول و صاحب دیوان بجای او منسوب شد عریضه‌ای به شاه نوشت که صاحب دیوان از رابطه او با مردم محلی هراس دارد و همچنین نوشت که صاحب دیوان می ترسد که او در کار قشون دخالت کند و مانع "ترقی و آسودگی" او (امین لشکر) بشود.

رابطه شخصی بین شاه و دولت‌یون حتی در زمان مغضوبیت قطع نمیشد و بنظر میرسد که شاه عمدا سعی میکرد که مغضوبین را نا امید نکند. نامه محرمانه‌ای از شاه به سردار کل در موقع معزولی و تبعیدوی به سلطان آباد عراق هست که باو می نویسد همیشه نسبت به وی کمال التفات را داشته و اگر اکنون ظاهراً به او کم التفات شده "اولاً اختضای دنیا این بوده و هست که گاهی با سبب یابی سبب اتفاق میافتد برای شخصی که تنبه حاصل کند،

۱ - نویسنده‌ای درباره وضع ایران در قرن ۱۹ م میگوید " که همواره

نوسان شدید فرصت های شخصی یکی از مشخصات بارز تاریخ ایران بوده "

UPRON, J.M. The History of Modern IRAN.

1961, P. 26-27

ثانیا تقصیر و نادانی بعضی نوکرهای بی‌معنی خودتان بود . . . " و اضافه میکند که فعلا به تهران نیاید دوماه صبر کند تا احضار شود . شاید دلیل این نوع رفتار بنا به قول خود شاه این بود که : " اصل خیال ماتربیت و ترقی دادن بنوکراست با این‌کمی نوکر در ایران چه جای این است که ما بخواهیم نوکر تربیت شده چندین ساله را بی‌جهت تضییع نمائیم . "

گاه شاه برای تشویق از افراد و از کار آنها تعریف میکرد ، گاه اگر قصوری رخ داده بود مواخذه میکرد . نامه‌ای به تاریخ دی‌حجه ۱۲۸۷ هست خطاب به امین لشکر که شاه می‌پرسید چرا ۲۰۰۰ تومان که به ساوجبلاغ حواله داده وصول نشده و چرا ۶۰۰ تومان از مواجب عملجات اصطلب را نپرداخته و حواله‌گاه که میبایست از خوی تهیه شود وصول نگردیده و از نرسیدن مواجب و جیره و علیق اسبان ، عمده بقرض و عسرت میگذرانند ، " چرا می‌بایست آن مقرب الخاقان در وصول و ایصال قیمت اسب و نقد و جنس و اصطلب بی‌اهتمامی کند " .

گاه بعد از این‌گونه نامه‌ها شاه در صدد تحیب شخص بر می‌آید . در نامه‌ای به امین لشکر می‌نویسد که اگر در باب مالیات و نظم قشون تغییری میکند نباید باعث دلتنگی نوکرهای آنجا باشد " چاره نیست سکوت که نمیتوان کرد " .

بطور کلی آنچه در این مکاتبات بچشم می‌خورد عدم نظم و ترتیب در امور است که ناشی از ضعف دولت مرکزی بود که ایجاب میکرد شاه بارها با جرئیات اوامر خودش را تکرار کند و یا برای مقداری ناچیز قسط مالیات و یا نظم قشون شخصا مکاتبه و سفارش کند . دو مساله دائمی و لاینحل حکومت

قاجار در قرن گذشته که اغلب نویسندگان نیز به آن اشاره کرده‌اند (۱) عدم نظم قشون و اشکالات مالی بود . البته نظم قشون بستگی به جمع‌آوری مالیات داشت و دولت نه تنها موفق به تنظیم نحوه جمع‌آوری مالیات نبود بلکه کسری بودجه باعث اشکال عمده کار دولت و نظم نگرفتن قشون بود (۲) و تعجب آور است که با وجود اینکه دولت ایران در اوایل قرن گذشته به فکر استفاده از صاحب منصان خارجی برای تنظیم امور نظامی افتاد برای نظم و وصول مالیاتها تا مدتها بعد از مستشاران خارجی استفاده نمود . شاید این تاخیر بدان علت بود که استفاده از مستشاران خارجی در امور نظام خود موجب گرفتاریها و مشکلات متعددی شده بود که دولت ایران را از توسعه این کار منصرف کرد .

در هر حال با وجود سفارشات شاه و رسیدگی او ، کوششهایی که برای نظم دادن به وضع آشفته مالی و نظامی می‌شد این دو مساله حل نشد و در این گفتار به اختصار به چند مورد که نمایانگر این وضع است اشاره میکنیم . البته باید گفت که این مسائل به هیچ وجه خاص آذربایجان نبود . شاه در نامه‌ای به سردار کل نوشت که توپ خانه را دیده بود که در میان بیابان ریخته و

۱- نحوه جمع‌آوری مالیات و اشکالات دولت در کتاب مالک و زارع
تالیف آن لمتن به تفصیل توضیح داده شده است .

۲- کاظم زاده ، فیروز ، روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴ - ۱۸۶۴ م ، ترجمه
منوچهر امیری ، چاپ ۱۳۵۵ تهران ، ص ۱۷۴

معلوم بود که معطلی توپ خانه بواسطه خرابی ارا به های بارکش است و می پرسد که نمیداند چگونه این توپخانه به مشهد خواهد رسید .

در نامه دیگری در ۱۲۸۴ شاه به سردار کل می نویسد که چرا سواره مهاجرین آذربایجان را که احضار کرده بود نیامده بودند و اضافه میکند که او آنها را برای مصلحتی خواسته در صورتی که موجب و تیول میگیرند چرا باید نیایند و حاضر به خدمت نشوند " هر وقت این پدر سوخته ها را احضار میکنی نمیشود به هزار ملاحظه و ناپاکی از زیر نوکری درمی روند اقلای بیایند تهران یک سان بدهند که معلوم شود اینهانوکر هستند "

در این مجموعه نامه ها اشکالات مالی دولت بیش از همه چیز بچشم میخورد و نامه های متعددی درباره نرسیدن اقساط مالیات بموقع موجود است .

در نامه ای امین الدوله به امین لشکر مینویسد شاه آذربایجان را از بلاد معتبر میداند و انتظار بیشتری از آنجا دارد . " در حالتی که مالیات عربستان یا بهبهان بزودی برسد چرا باید مالیات آذربایجان نرسد . "

در همین نامه امین الدوله اضافه میکند که " عهد روزه است چا پارروانه است . . . حوصله ها تنگ ، در این بین آدم سرکار انیس الدوله میاید که تاجریکه پول باید بما بدهد به پست رفته ، حواس پریشانتر میشود ، ماشا الله شما هم در تبریز باکمال حلال و وقار ، کی جرات میکند از این تاجر مطالبه وجه بکند ؟ منم همواره مینویسم بشما چاره نمیشود ، یک مملکت آذربایجان است به اقسام مختلف ، پول میخواهند . . . "

شاه بمرسائل مالی نظارت دقیق داشت و حتی المقدور سعی میکرد جلوی مخارج ، بخصوص مخارج بدون اجازه قبلی ، گرفته شود مثلا در نامه ای میرزا

قهرمان مینویسد که : نظام الدوله که مسئول امور لشگری بود ۷ هزار تومان بابت ملبوس فوج تخته قاپو وافواج احضاری منظور داشته بود ، آیا این مبلغ را بپردازد یا خیر و شاه در حاشیه نامه نوشته بود که هیچ خرج اضافی نکند و برای هر گونه خرج اضافی باید تلگرافا اجازه بگیرد .

کسری بودجه دولت از این نامه ها بخوبی مشهود است . در نامه ای به تاریخ ربیع الاول ۱۲۷۹ به میرزا قهرمان مرقوم داشته بودند ، که هر چند نوشته مبلغ ده هزار و سیصد تومان و کسری از بابت وجه میزان و قیمت غله بعنوان قرض برداشته و صرف تهیه چادر و ملبوس و کلاه و لَبچین افواج احضاری چمن اوجان کرده ، دیوانیون این خرج را قبول نخواهند کرد و همانطور که قرار بوده باید مبلغ تماما انقاد شود که برای مخارج تلگراف راه کرمانشاه در نظر گرفته شده است .

در جای دیگر در جمادی الثانی ۱۲۸۱ هـ . ق از قول شاه به میرزا قهرمان نوشته بودند که وجوهات موقومه را بدون " عذر ، با وجه نقد و یا برای تجارتي که خیلی غریب الوعده نباشد بفرستد . "

متصدیان وصول مالیات گاه ناچار مهلت میخواستند گاه شاه برای جمع آوری مالیات عقب افتاده ناظر و محصل میفرستاد . مثلا یکبار به میرزا قهرمان نوشته بودند که وقایع نگار به تیریز اعزام شده باید بقایائی که " مکرر قلمداد شده بعرض رسیده ، مشخص نماید که نزدیکی است و تنخواه دیوان اعلی چه شده که این قدر به عقدۀ تعویق افتاده " .

این گونه نامه ها که حاکی از اشکالات مالی دولت میباشد بسیار است و برای اختصار کلام در این مجلس ، به معدودی از آنها اشاره شد .

در پایان این گفتار یکی از نامه های شاه که حاکی از اشکالات دولت

و عقیده شخص او درباره وضع مالی و نظامی است نقل میکنیم :

" امین الدوله کاغذ سردار را خواندم وقایع نگار را هم هر وقت از حاضر کردن پول فارغ شد البته بحضور عرایض شفاهی سردار را بکند ، سردار در باب دلسوزی قشون و رعیت درست نوشته بود .

نظم همه چیز دنیا بسته به پول است و آمد و شد کردن و چشم پوشیدن از کورورها ، من میدانم باید قشون ما هر سالی ششماه مشق کند و جیره و علیق بار کرده بگیرد از غله آذربایجان ، میدانم قشون باید همه تفنگ خان دار داشته باشند . میدانم قشون باید مواجب سالیانه چه در خانه باشد چه مامور باشد بگیرد . میدانم قشون باید در زمستان لباس ماهوت و پتوداشته باشد در تابستان لباس تابستانی یقه نظیف و پاکیزه . میدانم قشون باید سرباز خانه های عالی پاکیزه زمستانی داشته باشد صاحب منصبها درس خوانده جنگ دیده باشند . اما شما میدانید که در ایران ما پنج کرورمالیات و این همه مخارج که از حد و حصر افزون است و هریک هم در جای خود لازم است نمیتوان این نظم را داد ، یکی دیگر از اسم صد هزار قشون بگذریم و سی هزار قشون من حیث المجموع نگاه داریم ، البته میتوان مثل قشون سایر دول آن سی هزار را راه برد ، که میتوان متحمل اخراجات لازمه آنها شد . ازدیاد مالیات را هم و آبادی رعیت را هم میدانم که یکسال و دو سال از نصف مالیات ایران چشم بپوشد و تخفیف بدهد و خالصه ها را آباد کنند ، خرج قنوات کنند و غیره و غیره تا در سالهای دیگر یک کرور اضافه بردارند ، اما این دو سال که نصف مالیاتها را باید تخفیف داد مخارج را چه باید کرد ؟ از دست کیقباد میرزا و عیال حاجی محمد ولی میرزا ، در خرج فلان سید و آخوند و درخواستهای زنان و مردانه باید تاجین فرار کرد ، هرکس مرد است

و با این حالتها که نوشته‌ام قشون و مملکت را می‌تواند مثل سایر دول فرنگیان
راه ببرد ، بسم الله همان ساعت من با او وامیگذارم . همین دستخط را برای
سردار بفرست ، و البته فی المقدور باید در فکر بود " .